

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خود پنداره و تاب‌آوری کودکان

سیده عاطفه حسینی یزدی^{۱*}، علی مشهدی^۲، سید علی کیمیایی^۳ و زهرا عاصمی^۴

دریافت مقاله: ۹۳/۰۸/۱۴؛ دریافت نسخه نهایی: ۹۴/۰۲/۱۵؛ پذیرش مقاله: ۹۴/۰۲/۲۱

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، تعیین اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خودپنداره و تاب‌آوری کودکان بود. **روش:** روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون، پیگیری سه‌ماهه و گروه گواه و جامعه آماری ۲۵ خانواده دارای کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله مراجعه کننده به دادگاه خانواده کاشمر در سه سال اخیر بود که از میان آن‌ها ۱۴۳ زوج به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. معیار ورود آزمودنی زندگی کردن کودکان با یکی از والدین خود بود. ۲۵ کودک واحد شرایط بودند. ۱۳ کودک در گروه آزمایش قرار گرفتند و ۱۵ جلسه برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را سه روز در هفته طی ۵ هفته دریافت کرد و ۱۲ کودک گروه گواه مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزار پژوهش پرسشنامه توانمندی‌های اجتماعی - هیجانی و تاب‌آوری مرل، ۲۰۱۰ و پرسشنامه خودپنداره کودکان پیرز-هریس، ۱۹۶۹ بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد برنامه مداخله‌ای باعث ایجاد تغییر در خودپنداره کودکان نمی‌شود اما تاب‌آوری آن‌ها را افزایش می‌دهد. نتایج برنامه پیگیری سه‌ماهه نیز تداوم این اثر را نشان داد. **نتیجه‌گیری:** برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را می‌توان به‌عنوان روش موثری برای بهبود تاب‌آوری این کودکان تلقی کرد و در مراکز مشاوره و برنامه ریزی برای آموزش والدی که با کودک زندگی می‌کند از آن استفاده کرد.

کلید واژه‌ها: برنامه مداخله‌ای، تاب‌آوری، خودپنداره، کودکان طلاق

* ۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: s_a_hoseini_y@yahoo.com

۲. دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار مشاوره، دانشگاه فردوسی مشهد

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

طلاق^۱ والدین یکی از عمده‌ترین رویدادهای استرس‌زائی است که کودکان و نوجوانان با آن مواجه می‌شوند، و اثرات کوتاه و بلند مدت اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی بر بزرگسالان و کودکان برجای می‌گذارد. در این میان، کودکان طلاق به‌خاطر سن پایین‌تر و مهارت‌های ناکارآمدتر بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند (ویور و اسکافیلد، ۲۰۱۵). طلاق والدین غالباً مشکل‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی به همراه دارد. چنین تغییراتی باعث می‌شود کودکان احساس خشم، گناه، ناراحتی، ترس و مشکل‌های انطباقی را تجربه کنند (ناراوان، سی‌ستی، روگوش و تات، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند کودکان خانواده‌های طلاق نسبت به کودکان خانواده‌های عادی، دارای مشکل‌های عاطفی، رفتاری و تحصیلی بیشتری هستند و سلامت روان کمتری دارند (کالمجین، ۲۰۱۵؛ فاگن و چارچیل، ۲۰۱۲). همچنین آن‌ها ناسازگاری‌های روان‌شناختی بیشتری از خود بروز می‌دهند و عزت نفس پایین و خودپنداره منفی دارند (مگی اولارو و اونگارو، ۲۰۱۴).

خودپنداره^۲ و تاب‌آوری^۳، متغیرهای شخصیتی هستند که در ادبیات روان‌شناسی جدید به نوع خاصی می‌تواند مورد ارزیابی قرار بگیرد. خودپنداره الگویی سازمان یافته و پایدار از اداراکات را بیان می‌کند که با تجربه فرد و تفسیر دیگران از آن تجربه شکل می‌گیرد و متحول می‌شود (دیپل و های، ۲۰۱۰). عبارت خودپنداره به عواملی همچون خشنودی از زندگی^۴ و خود ارزشمندی^۵ مرتبط است که نگرش‌ها و رفتارهای خود فرد را توصیف و ارزیابی می‌کند (دان، شیلدرز، تیلر و داد، ۲۰۰۹). از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر خودپنداره و رفتار کودک، محیط خانواده است و اگر کودکان مستقیماً شاهد تعارض والدین خود باشند، به‌مرور نشانه‌هایی از شرم و خودکم بینی و خود نازنده‌سازی را بروز می‌دهند (فروچ، منگسدروف و مک‌هال، ۲۰۰۰؛ نقل از دانش، رضابخش، بهمنی و سلیمی‌نیا، ۱۳۹۰). مطالعه‌های زیادی نشان می‌دهد که طلاق و رویدادهای بعد آن با تحول خودپنداره ضعیف در کودکان همبسته است. اما خود طلاق به‌تنهایی عامل اصلی خودپنداره پایین نمی‌تواند باشد. بلکه کودکان طلاق علاوه بر خود طلاق، باید با شرایط بعد آن مانند وضعیت اقتصادی پایین‌تر و عدم حمایت‌های اجتماعی لازم نیز کنار بیایند که طبیعتاً همه این عوامل بر تحول خودپنداره اثر دارد (اورگیلز، جانسون، هدمودینا و اسپادا، ۲۰۱۲). متغیر دیگر مورد بحث در این پژوهش تاب‌آوری است. تاب‌آوری به‌علت نقشی که در

1. divorce
2. self-concept
3. resilience
4. life-satisfaction
5. self-worth

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان...

کاهش فشارهای روانی یک چالش استرس‌زا در زندگی دارد جایگاه ویژه‌ای در ادبیات پژوهشی حوزه روان‌شناسی دارد. تاب‌آوری به‌عنوان مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌هایی تعریف می‌شود که اشخاص را برای تطابق با سختی‌ها، مشکل‌ها و چالش‌ها توانمند می‌سازد (توماس، ۲۰۱۱). به‌طورکل تاب‌آوری به عوامل و فرایندهایی اطلاق می‌شود که سیر رشدی را از خطر رفتارهای مشکل‌زا و آسیب‌های روان‌شناختی تغییر می‌دهد و به‌رغم شرایط ناگوار به نتایج مثبت منتهی می‌شود (سارکار و فلچر، ۲۰۱۴؛ نشیوات و برندوین، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان داده است که افراد تاب‌آور در هنگام مواجهه با فشارهای روانی از سبک‌های مقابله‌ای موثرتری استفاده می‌کنند و به‌طور انطباقی موقعیت را پردازش و با آن کنار می‌آیند (سید محمودی، رحیمی و محمدی، ۱۳۹۰). در مباحث مربوط به فرزندان طلاق مفهوم تاب‌آوری به‌عنوان فاکتوری پویا و حمایتی در نظر گرفته می‌شود که کودک را در جهت سازگاری با شرایط نامطلوب یاری می‌دهد (داس، ۲۰۱۰). پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که کودکانی که منابع حمایتی محیطی مانند ارتباط خوب با والدین یا مهارت‌های اجتماعی بیشتری دارند، تاب‌آوری بالاتری دارند و بهتر می‌توانند با چالش‌های پس از طلاق کنار آیند (ناب، ۲۰۱۰). پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند رشد تاب‌آوری در کودکانی که در بحران به‌سر می‌برند، جهت به حداقل رساندن مشکل‌های رفتاری ضروری است (آلن، کوکس و کوپر، ۲۰۰۶؛ نقل از خباز، بهجتی و ناصری، ۱۳۹۰).

بیشتر کودکان طلاق، دوره‌های پراسترسی را قبل از طلاق والدین تجربه کرده‌اند، لذا قابل انتظار است که نشانه‌های مختص کودکان رشدیافته، تاب‌آور، سازگار، و خودکنترل را نداشته باشند یا این رفتارها را کمتر درونی کرده باشند (پریو و ویل، ۲۰۱۵). اثرات منفی طلاق بر مشکل‌های رفتاری کودکان بسیار گسترده است، اما با این حال عوامل مختلفی مانند سن و جنس کودک می‌تواند بر میزان سازگاری کودکان طلاق تاثیرگذار باشد (هالیگان، چانگ و نوکس، ۲۰۱۴). این عوامل هنگام وقوع طلاق ثابت‌اند اما عوامل دیگری نیز نظیر کارکردهای شناختی و مقابله‌ای کودک وجود دارند که قابل اصلاح هستند (داهل، هسن و ویجنز، ۲۰۱۵).

با توجه به عوامل دسته دوم طراحی برنامه مداخلاتی که بتواند کودکان را تاب‌آور کند و به آن‌ها کمک کند با شرایط ناگزیر طلاق کنار آیند ضروری به‌نظر می‌رسد. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق^۱ که در سال ۱۹۸۲ توسط پدرو-کارول طراحی شد، یکی از این نوع برنامه‌ها است که بر عوامل حمایتی مرتبط با تاب‌آوری در کودکان بعد از طلاق تمرکز دارد. این برنامه نتایج بیشتری در مقایسه با مداخله‌های دیگر کسب کرده است. اهداف اولیه این برنامه این است که محیط گروهی حمایت‌گری بسازد که کودکان بتوانند در آن، پیوندهای مشترک ایجاد کنند و

1. children of divorce intervention program (CODIP)

مهارت‌هایی را کسب کنند که ظرفیت آن‌ها را برای مقابله با تغییرات استرس‌زای طلاق افزایش دهد (لیندا، آلپرت گیلیس، پدرو-کارول، اموری و کوئن، ۲۰۰۷؛ پدرو-کارول، ۲۰۰۵). در زمینه اثربخشی این برنامه مداخله‌ای پژوهش‌ها زیادی انجام شده است که همگی اثربخش بودن این برنامه را در کوتاه و بلند مدت تایید کرده اند. به‌عنوان مثال بلوم (۲۰۰۷) در پژوهش خود گزارش کرد شرکت کنندگان در این برنامه سازگاری بیشتر و مشکل‌های رفتاری مرتبط با طلاق کمتری را گزارش کردند و این نتایج تا ۴ سال بعد نیز ادامه یافت. گریچ و فینجام (۲۰۰۸) این برنامه گروهی را اجرا کردند که بازخوردهای بالینی مربوط به این برنامه مثبت بود. در مطالعه دیگری کاربونل، رینه‌رت، گیاکونیا، استاشویک، پارادایس و بردسلی (۲۰۰۲) دریافتند که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق عملکرد اجتماعی کودکان را بهبود می‌بخشد و مشکل‌های رفتاری آزردهنده آن‌ها را کم می‌کند. هدف این پژوهش تعیین تاثیر اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را بر خودپنداره و تاب‌آوری این کودکان بود و فرضیه‌های زیر آزمون شد.

۱. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق خودپنداره کودکان طلاق را بهبود می‌بخشد.
۲. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق تاب‌آوری کودکان طلاق را بهبود می‌بخشد.
۳. تاثیر برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خودپنداره و تاب‌آوری کودکان در مرحله پیگیری پایدار می‌ماند.

روش

روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون، پیگیری سه‌ماهه و گروه گواه بود. جهت نمونه‌گیری، آمارفراوانی پرونده‌های طلاق ۳ سال اخیر از دادگاه خانواده شهرستان کاشمر دریافت شد. جامعه آماری ۱۴۳ زوج بود و روش نمونه‌گیری در دسترس به‌صورت داوطلبانه از میان کودکان ۸ تا ۱۲ ساله این خانواده‌ها، ۲۵ آزمودنی انتخاب و از ۲۵ کودک شرکت کننده در این برنامه ۱۳ کودک شامل ۵ پسر و ۸ دختر در گروه آزمایش و ۱۲ کودک شامل ۵ دختر و ۷ پسر به‌صورت تصادفی در گروه گواه گمارده شد. شرایط ورود به پژوهش داشتن سن بین ۸ تا ۱۲ سال، زندگی کردن کودک با یکی از والدین خود و تحت سرپرستی شخص دیگری نبودن کودک بود.

ابزار پژوهش

۱. مقیاس خودپنداره کودکان پیرز-هریس^۱. این مقیاس ۸۰ سوالی توسط پیرز-هریس در سال ۱۹۶۹ و برای کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۸ سال به‌صورت فردی طرح ریزی شده و شامل ۶

1. Piers-Harris children's self-concept scale (CSCS)

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان...

دسته مقیاس می‌شود که رفتار با سوال‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۳۴، ۳۵، ۳۹، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۷، ۷۱ و ۷۶؛ وضعیت مدرسه و وضعیت شناختی و ذهنی با سوال‌های ۵، ۹، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۴۵، ۵۳، ۶۳، ۶۶، ۷۰ و ؛ ظاهر و ویژگی‌های ظاهری با سوال‌های ۸، ۱۵، ۲۹، ۴۱، ۵۴، ۵۵، ۶۹، ۷۳، ۷۷، ۷۹ و ۸۰؛ اضطراب با سوال‌های ۶، ۷، ۱۰، ۲۸، ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۶۵، ۶۸، ۷۴، ۷۸ و ۷۹؛ محبوبیت با سوال‌های ۱، ۳، ۱۱، ۱۷، ۲۷، ۳۳، ۴۰، ۴۳، ۴۶، ۴۹، ۵۱ و ۵۷ و شادی و خرسندی با سوال‌های ۲، ۴، ۳۲، ۳۶، ۵۰، ۵۲، ۵۸، ۶۰، ۶۲ و ۷۲ سنجیده و تمام خوشه‌ها درجهت خودپنداره مثبت نمره‌گذاری می‌شود(بیات مختاری و اخوان تفتی، ۱۳۸۷). روایی آزمون توسط پیرز-هریس در سال ۱۹۶۹ در مورد ۵۷ دانش آموز کلاس چهارم ارزیابی و همبستگی آن با نمره‌های درجه‌بندی معلم‌ها از این دانش‌آموزان ۰/۴۱ گزارش شد (لملی، ۲۰۰۴). ضریب پایایی این آزمون در استان خراسان توسط کریمی در سال ۱۳۷۵ بین ۰/۸۸ تا ۰/۹۴ گزارش شد (نقل از صوفی، نیلوفری، احمدی، احمدی پور و کریمی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۱ به‌دست آمد.

۲. مقیاس توانمندی‌های اجتماعی-هیجانی و تاب‌آوری^۱. این مقیاس توسط مرل^۲ در سال ۲۰۱۰ برای ارزیابی ویژگی‌ها و مهارت‌های اجتماعی-هیجانی مثبت کودکان طراحی شد و ۵۲ سوال و ۴ زیرمقیاس دارد که خودتنظیمی با سوال‌های ۴، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶ و ۴۸؛ توانمندی اجتماعی با سوال‌های ۱، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۲ و ۲۸؛ همدلی با سوال‌های ۲، ۳، ۹، ۱۹، ۲۶ و ۵۱ و مسئولیت-پذیری با سوال‌های ۱۱، ۱۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۰ و ۵۲ سنجیده می‌شود (دورنر، کای، نسه، مرل و رومر، ۲۰۱۱). دورنر و همکاران (۲۰۱۱) این پرسشنامه را در مورد ۱۴۰۰ کودک و نوجوان اجرا و ضرایب پایایی آزمون-بازآزمون را برای نسخه کودک ۰/۸۱ و روایی آزمون را بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۲ گزارش کردند. حسینی یزدی (۱۳۹۲) به‌منظور تعیین اعتبار و روایی این پرسشنامه، آن را در مورد گروه واحد در دو زمان مختلف اجرا کرد و روایی و اعتبار آن را به‌دست آورد. ضریب اعتبار درونی یعنی آلفای کرونباخ همه زیرمقیاس‌ها را ۰/۷۸ و همچنین با روش آزمون - بازآزمون، طی دوبار اجرا به‌فاصله یک ماه ضرایب همبستگی برای زیرمقیاس‌های خودتنظیمی را ۰/۷۷، توانمندی اجتماعی را ۰/۸۳، همدلی را ۰/۷۶ و مسئولیت

2. social-emotional assets and resilience scale (SEARS)

3. Merrell

پذیری را ۰/۸۹ گزارش کرد. در پژوهش حاضر میزان ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

۳. برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق. در این پژوهش برای اجرای جلسه‌ها از راهنمای برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق پدرو-کارول (۱۹۸۲؛ به نقل از لی‌کروی، ۲۰۰۸) استفاده شد. این برنامه در ۱۵ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای به صورت گروهی به شکل زیر برگزار شد.

جلسه اول. هدف جلسه این بود که گروه محیطی امن و حمایت‌گر شود. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، و معرفی کودکان به گروه، هدف گروه بیان شد.

جلسه دوم. در این جلسه بر شناسایی احساسات، ایجاد یک فرهنگ لغت احساسی و معرفی مفاهیم احساسی مانند "همگانی بودن" هیجان‌ها، و این‌که همه احساسات خوب هستند، در حالی‌که همه رفتارها همیشه قابل قبول نیستند، تمرکز شد. بازی صندوقچه احساسات و عروسک گردانی از فعالیت‌های این جلسه بود.

جلسه سوم. این جلسه با مفهوم خانواده سر و کار داشت. بر این عقیده که همه نوع خانواده وجود دارد، هریک منحصر به فرد و خاص است، از طرق مختلفی مانند قصه‌گویی، بیان تجربه‌های مختلف توسط اعضا و شناسایی انواع خانواده‌های موجود تاکید شد.

جلسه چهارم. مفاهیم احساسی در مورد تجربه‌های طلاق با کودکان در میان گذاشته شد. مفاهیم و سوء برداشت‌های مرتبط با طلاق نیز با تشویق کودکان به اشتراک گذاشته و نگرش‌های‌شان با گروه و خواندن قصه‌ای در رابطه با خانواده و مشکلات آن مطرح و بررسی شد.

جلسه پنجم. در این جلسه هر ۴ گام حل مسئله معرفی و بر ایجاد راه حل‌های متنوع تمرکز شد. این نکته که راه حل‌های زیادی در پس هر مشکل وجود دارد از طریق بازی نقش توسط درمانگر و عروسک گردانی تاکید و برای جلسه بعدی تکلیف خانه تعیین شد.

جلسه ششم. این جلسه با مشارکت کودکان در بحث و آوردن مثال از تجربه‌های واقعی زندگی و قصه‌گویی بر ایجاد راه حل‌های متنوع، پیش‌بینی پیامدها، و ارزیابی راه حل‌ها تاکید شد. این نکته که انتخاب بهترین راه حل ابتدا شامل پیش‌بینی و سپس ارزیابی پیامدهای ممکن هر یک می‌شود نیز آموزش داده شد.

جلسه هفتم. گام‌های حل مسئله برای مشکلات مربوط به طلاق به کار گرفته و کودکان تشویق شدند مشکل‌های خود را در این زمینه بیان کنند و برای هریک راه حل‌های مختلفی ارائه دهند. نیز بازی منج که خانه‌های آن راه حل‌های مختلفی برای یک مشکل دارد انجام شد.

جلسه هشتم. تمایز بین مشکلاتی که کودکان می‌توانند حل کنند و آن‌هایی که نمی‌توانند حل کنند آموزش داده شد. کودکان تشویق شدند مشکلات غیرقابل حل را شناسایی کنند. پرسش و پاسخ و تخته بازی از فعالیت‌های این جلسه بود.

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان...

جلسه نهم. با بازی و نقش‌گزاری، تلاش‌های کودکان برای اعمال مهارت‌های حل مسئله در مشکلات تقویت شد. در این جلسه مهارت‌های حل مسئله آموزش داده، مرور و تقویت شد.

جلسه دهم. احساسات شخصی کودکان درباره طلاق با استفاده از کتاب قصه و فعالیت پرسش و پاسخ کاوش و بر احساسات نسبت به والدین نیز به صورت در میان گذاشتن تجربه‌ها تاکید شد. جلسه یازدهم. از طریق عروسک بازی بر برداشت و احساسات کودکان در مورد مسئله والد کودک تمرکز و به کودکان کمک شد تا احساسات والدین‌شان و نیز احساسات خودشان را بفهمند. مهارت‌های حل مسئله برای مشکلات طلاق در بازی‌ها اجرا شد.

جلسه دوازدهم. از یک بازی استفاده شد تا کودکان مفاهیم اصلی برنامه را مرور و تثبیت کنند و به کاوش بیشتر مسئله رابطه والد-کودک تشویق شوند.

جلسه سیزدهم. سعی شد تا با فعالیت‌های مختلفی برداشت‌های کودکان از خود و دیگران ارتقا یابد. این فعالیت‌ها شامل بازی نقش و بازی صندوق احساسات بود.

جلسه چهاردهم. بر نقاط قوت منحصر به فرد کودکان به عنوان عضو گروه تاکید شد. این کار از طریق فعالیت برگه مشخصات و شرکت همه کودکان در نظردهی در مورد اعضا انجام شد. در انتهای این جلسه کودکان برای آخرین جلسه مهمانی ترتیب دادند

جلسه پانزدهم. جلسه آخر به تجربه‌ها و احساسات کودکان درباره گروه اختصاص یافت. کودکان تشویق شدند با اعضای گروه رابطه خود را ادامه دهند و کسانی که می‌توانند به کودکان کمک کنند مثل والدین، دوستان و معلمان معرفی شدند. گروه با برگزاری یک جشن و دادن نشان موفقیت به کودکان به اتمام رسید.

شیوه اجرا. پس از هماهنگی‌های لازم با دادگاه خانواده کاشمر و جلب نظر زوج‌های موردنظر تمامی افراد واجد شرایط غربال‌گری و نمونه موردنظر انتخاب شد. پس از اجرای پیش‌آزمون با دو پرسشنامه مقیاس تاب‌آوری و مقیاس خودپنداره، و نیز پس از اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق، پس‌آزمون و سه ماه بعد آزمون پیگیری به عمل آمد. همزمان یک گروه گواه از کودکان طلاق نیز در دسترس بود که در روزهای متفاوت از روزهای گروه آزمایش به بازی و فعالیت‌های روزمره پرداختند. برای این گروه نیز همان پرسشنامه‌ها به صورت پیش و پس‌آزمون اجرا شد. در تمامی مراحل ملاحظات اخلاقی برای هر دو گروه رعایت شد و در آخر راهنمای راه‌کارهای درمانی جلسه‌ها به خانواده‌های گروه گواه نیز داده شد.

یافته‌ها

میانگین سنی گروه آزمایش ۱۱/۲۳ سال و میانگین سنی گروه گواه ۱۱/۰۴ بود. ۶۴ درصد از کودکان تحت سرپرستی مادر و ۳۶ درصد دیگر تحت سرپرستی پدر خود بودند. میانگین سنی

مادران شرکت کننده ۳۴/۵۶ سال و میانگین سنی پدران ۳۹/۱۴ سال بود. از میان ۲۵ والد شرکت کننده ۳۲ درصد مدرک دیپلم، ۵۶ درصد لیسانس و ۱۲ درصد فوق لیسانس داشتند. از نظر شغلی نیز ۵۲ درصد والدین شغل آزاد، ۲۰ درصد کارمند بخش دولتی، ۱۶ درصد کارمند بخش خصوصی و ۱۲ درصد بدون شغل بودند.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خودپنداره و تاب‌آوری در سه مرحله برای دو گروه

متغیر	گروه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	پیگیری	انحراف معیار	انحراف معیار	انحراف معیار
		میانگین	میانگین	میانگین			
خودپنداره	آزمایش	۴۵/۴۶	۱۲/۲۱	۴۶/۶۹	۱۲/۲۳	۴۵/۸۷	۱۲/۱۸
	گواه	۴۷/۶۶	۱۳/۲۶	۴۷/۵۸	۱۲/۴۴		
تاب‌آوری	آزمایش	۹۹/۹۲	۱۹/۰۹	۱۰۳/۶۱	۱۸/۸۲	۱۰۳/۰۱	۱۸/۸۰
	گواه	۹۵/۱۶	۱۸/۹۹	۹۴/۶۶	۱۸/۴۷		

بر اساس جدول ۱ میانگین نمره خودپنداره گروه آزمایش تغییر چندانی نکرده است اما میانگین نمره‌های تاب‌آوری آن‌ها افزایش داشته است. برای استفاده از روش تحلیل کوواریانس ابتدا مفروضه‌های آن انجام شد.

جدول ۲. طبیعی بودن توزیع نمره‌های پس‌آزمون متغیرها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	گروه‌ها	آماره	درجه آزادی	سطح معناداری
خودپنداره	آزمایش	۰/۳۱۵	۱۳	۰/۰۶
	گواه	۰/۱۴۲	۱۲	۰/۶۱
تاب‌آوری	آزمایش	۰/۱۸۱	۱۳	۰/۵۰
	گواه	۰/۱۶۱	۱۲	۰/۵۳

در جدول ۲ بر اساس عدم معناداری نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر دو متغیر، می‌توان نتیجه گرفت شرط توزیع طبیعی نمره‌ها در هر دو گروه رعایت شده است.

جدول ۳. همسانی واریانس‌های نمره‌های پس‌آزمون متغیرها در دو گروه با آزمون لوین

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
پس‌آزمون خودپنداره	۰/۵۶	۱	۲۳	۰/۴۵
پس‌آزمون تاب‌آوری	۱۴/۵۷	۱	۲۳	۰/۰۸

در جدول ۳ بر اساس عدم معنی‌داری نتایج آزمون لوین برای هر دو متغیر، می‌توان نتیجه گرفت شرط برابری واریانس‌های دو گروه رعایت شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تاثیر برنامه مداخله‌ای در دو گروه

متغیرها	منبع تغییرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	مجذوراتا
	پیش‌آزمون	۲۶۴۸/۰۵	۱	۲۶۴۸/۰۵	۷۷۵/۳۳*	۰/۹۷
	گروه‌ها	۷/۸۳	۱	۷/۸۳	۲/۲۹	۰/۱۰
خودپنداره	واریانس خطا	۶۸/۳۰	۲۰	۳/۴۱		
	مجموع	۵۹۰۱۴	۲۵			
	پیش‌آزمون	۵۹۵۶/۸۷	۱	۵۹۵۶/۸۷	۱۵۲/۱*	۰/۹۸
	گروه‌ها	۹۳/۲۴	۱	۹۳/۲۴	۲۳/۸۰*	۰/۵۴
تاب‌آوری	واریانس خطا	۷۸/۳۴	۲۰	۳/۹۱		
	مجموع	۲۵۵۱۱۹	۲۵			

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

بر اساس نتایج جدول ۴ اثربخشی برنامه در بهبود خودپنداره تایید نمی‌شود، اما تاثیر برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق در بهبود تاب‌آوری کودکان گروه آزمایش تایید می‌شود.

جدول ۵. آزمون کرویت موخلی جهت بررسی برابری کوواریانس‌ها در متغیرها

آزمون موخلی	خی دو	درجه آزادی	معنی‌داری
۰/۹۴	۱/۱۹	۲	۰/۵۵
۰/۷۳	۶/۷۵	۲	۰/۰۳

طبق نتایج جدول ۵ فرض کرویت و مفروضه همگنی ماتریس واریانس - کوواریانس برقرار است.

جدول ۶. تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر برای مقایسه نمره‌های سه مرحله در گروه آزمایش

متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	مجذوراتا
مفروضه کرویت	۱۱/۵۹	۲	۵/۷۹	۳/۸۷	۰/۱۴
خودپنداره	۱۱/۵۹	۱/۹۰	۶/۱۰	۳/۸۷	۰/۱۴
هایان-فیلد	۱۱/۵۹	۲	۵/۷۹	۳/۸۷	۰/۱۴
حدپایین	۱۱/۵۹	۱	۱۱/۵۹	۳/۸۷	۰/۱۴
مفروضه کرویت	۱۰۸/۲۵	۲	۱۲/۵۴	۱۸/۱۵*	۰/۴۴
تاب‌آوری	۱۰۸/۲۵	۱/۵۸	۶۸/۴۲	۱۸/۱۵*	۰/۴۴
هایان-فیلد	۱۰۸/۲۵	۱/۷۵	۶۱/۷۴	۱۸/۱۵*	۰/۴۴
حدپایین	۱۰۸/۲۵	۱	۱۰۸/۲۵	۱۸/۱۵*	۰/۴۴

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

طبق جدول ۶ تفاوت بین میانگین تاب‌آوری گروه آزمایش در سه مرحله معنادار است. از آزمون تعقیبی بونفرونی برای بررسی این که این تفاوت مربوط به کدام یک از مراحل است استفاده شد.

جدول ۷. آزمون تعقیبی بونفرونی برای متغیر تاب‌آوری

متغیر وابسته	پس‌آزمون-پیش‌آزمون	پیگیری-پیش‌آزمون	پیگیری-پس‌آزمون
تاب‌آوری	تفاوت میانگین خطای معیار	تفاوت میانگین خطای معیار	تفاوت میانگین خطای معیار
	۵۰/۵۲*	۴/۱۳	۵۱/۰۸*
			۴/۰۱
			تفاوت میانگین خطای معیار
			۳/۱۰

$$P < .05 \quad P < .01$$

طبق جدول ۷ تفاوت میانگین پس‌آزمون و پیش‌آزمون و پیگیری با پیش‌آزمون در متغیر تاب‌آوری معنی‌دار است، اما تفاوت میانگین پیگیری با پس‌آزمون معنی‌دار نیست که این بیانگر پایداری اثر برنامه مداخله‌ای بر متغیر تاب‌آوری در افراد گروه آزمایش در مرحله پیگیری است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر آن بود تا اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق را بر بهبود خودپنداره و تاب‌آوری کودکان تعیین کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق تاثیری در تغییر خودپنداره این کودکان ندارد. این یافته با نتایج پژوهش رگو و انبرگ (۲۰۱۲) که حاکی از عدم تاثیرگذاری این برنامه بر خودپنداره شرکت‌کنندگان بود، هم‌راستا است. اما با یافته‌های پژوهش‌های دیگری نظیر پدرو-کارول (۲۰۱۱)، کونولی و گرین (۲۰۰۸)، بوسا و وایلد (۲۰۱۴)، که نشان دادند این برنامه مداخله‌ای باعث می‌شود کودکان احساسات مثبت‌تر و بهتری نسبت به خود و خانواده خود داشته باشند ناهمخوان است. در تبیین این غیرهمسویی نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر در زمینه بهبود خودپنداره کودکان طلاق می‌توان به مطالعات اوربیک، دچینر، ویلمن، لامرز ویلکنمن و چنجل (۲۰۱۵) و شن (۲۰۰۹) در مورد کودکان بدسرپرست اشاره کرد که اعلام کردند مشکل‌های خود‌ناارزنده‌سازی، اعتماد به نفس پایین و خودپنداره منفی همگی ریشه در دوران کودکی فرد و تامین نیافتگی او و حکایت از ضعف در توانایی‌های شناختی کودک دارد، لذا از آنجا که غالباً این زمینه‌های شناختی مثل خودکم‌بینی درونی‌شده‌اند دور از انتظار است که یک مداخله موقت و مقطعی بتواند خودپنداره کودکانی را که سال‌ها در معرض تعارض‌های خانوادگی بوده‌اند را به‌طور معناداری تغییر دهد.

یافته دیگر پژوهش این بود که اجرای برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق باعث افزایش تاب‌آوری در کودکان می‌شود. این یافته با سایر پژوهش‌ها از جمله استالمن و ساندرز (۲۰۱۴)، پدرو-کارول (۲۰۰۵)، الدار-آویدان، حاج یحیایی و گرینبام (۲۰۰۹)، پدروکارول (۲۰۱۱)، آبل، چنگ کانین و بروسارد (۲۰۱۳)، کویینی و فوتس (۲۰۰۳)، ولچیک، اسنک و ساندرلر (۲۰۰۹)، پدرو-کارول و جونز (۲۰۰۲) و لومن (۲۰۰۲) که همگی حاکی از اثربخشی برنامه مداخله‌ای مذکور بر

اثربخشی برنامه مداخله‌ای ویژه کودکان...

افزایش تاب‌آوری و سازگاری کودکان است، هم راستا است. در تبیین این اثربخشی می‌توان به پژوهش بورینگ (۲۰۱۱) اشاره کرد که نشان داد تغییرات مثبت شناختی، حمایت‌های اجتماعی، و انتظارات تعدیل‌شده در افراد می‌تواند به افزایش تاب‌آوری آن‌ها کمک کند و نگاهی به محتوی این برنامه نشان می‌دهد این توانایی‌های مدنظر بورینگ (۲۰۱۱) در این مداخله گنجانده شده است.

مهارت‌های آموزش داده شده در جلسات به گونه‌ای است که کودکان می‌توانند به راحتی آن‌ها را در خانه و موقعیت‌های زندگی واقعی اجرا کنند و از اثرات مثبت آن سود ببرند (پدرو-کارول، ۲۰۱۱) و این ویژگی می‌تواند تداوم اثربخشی این برنامه را توجیه کند. در مجموع، همان‌طور که انتظار می‌رود طلاق والدین با مشکل‌های رفتاری و سازگاری عیدیه و معناداری در کودکان همراه است و بر همین اساس طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای و مقابله‌ای گروهی که بتواند مشکل‌های مرتبط با طلاق را کاهش دهد و تاب‌آوری آن‌ها را در برابر مشکل‌ها افزایش دهد ضروری به‌نظر می‌رسد. بنابراین پیشنهاد می‌شود متخصصین در دفتر کار یا در مراکز مشاوره جهت کمک به کودکان و خانواده‌های آن‌ها، این برنامه با درنظر گرفتن عوامل مداخله‌گری مانند میزان تعارض‌های موجود در خانواده و شیوه والدگری والدین و غنی‌تر کردن محتوای برنامه اجرا کنند.

منابع

- بیات مختاری، لیلا، و اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۷). بررسی تأثیرنگرش والدین بر خودپنداره و رشد اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری. *تعلیم و تربیت استثنایی*. زمستان. ۸۶: ۱۴-۳.
- حسینی یزدی، عاطفه. (۱۳۹۲). *اثربخشی برنامه‌ی مداخله‌ای ویژه کودکان طلاق بر بهبود خودپنداره، تاب‌آوری و کاهش مشکلات برونی-درونی‌سازی شده کودکان*. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خباز، محمود، بهجتی، زهرا، و ناصری محمد. (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و سبک‌های مقابله با تاب‌آوری در پسران نوجوان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. زمستان. ۴(پیاپی ۲۰): ۱۲۳-۱۰۸.
- دانش، عصمت، رضابخش، حسین، بهمنی، زهرا، و سلیمی‌نیا، نرگس. (۱۳۹۰). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در دانشجویان زن دانشگاه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. پاییز. ۵(پیاپی ۱۹): ۵۵-۳۹.
- سید محمودی، جواد، رحیمی، چنگیز، و محمدی، نوراله. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد مواجه شده با آسیب روانی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد*. تابستان. ۱(۱): ۱۴-۵.

صوفی، صلاح الدین، نیلوفری، علی، احمدی، کامران، احمدی پور، لقمان، و کریمی، سید بهاء الدین. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ارزشیابی کیفی با خلاقیت و خودپنداره. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. پاییز و زمستان. ۳(۶): ۱۴-۲۵.

عبدی، محمدرضا، پورابراهیم، تقی، و نظری، علی محمد. (۱۳۹۲). تاثیر برنامه مداخله‌ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن‌ها با طلاق والدینشان. فصلنامه خانواده پژوهی. پاییز. ۹(پیاپی ۳۵): ۳۴۳-۳۵۹.

- Abel, E.M., Chang-Canine, U., & Broussard, K. (2013). A quasi-experimental evaluation of a school-based intervention for children experiencing family disruption. *Journal of evidence-based social work*, 10(2): 136-144.
- Bolm Lake, T. L. (2007). *Predicting internalizing problems in at risk children and adolescents*. A dissertation presented for the PhD degree, Capella University.
- Botha, C. J., & Wild, L. G. (2013). Evaluation of a school-based intervention program for South African children of divorce. *Journal of Child & Adolescent Mental Health*, 25 (1): 81-91.
- Bowring, J. (2011). *Evidence-based counseling intervention with children of divorce: Implications for elementary school counselors*. United States: Hilton University Press.
- Brewer, M. M. (2010). *The effects of child gender and child age at the time of parental divorce on the development of adult depression*. Unpublished master s dissertation. United States, Minnesota: Department of psychology, Walden University.
- Carbonell, D. M. , Reinhertz, H. Z. , Giaconia, R. M. , Stashwick, C. K. , Paradis, A. D. , & Beardslee, W. R. (2002). Adolescent protective factors promoting resilience in young adults at risk for depression. *Child and Adolescent Social Work Journal*: 19, 393° 412.
- Connolly, M. E., & Green, E. J. (2008). *Evidence-based counseling intervention with children of divorce: Implications for elementary school counselor*. John Hopkins University Press.
- Dahl, S. A. , Hnsen, H. T. , & Vignes, B. (2015). His, her, or their divorce? Marital dissolution and sickness absence in ispan. *Journal of Marriage and Family*, 77 (2): 461-479.
- Diehl, M., & Hay, E. (2010). Risk and resilience factors in coping with daily stress in childhood: the role of age, self-concept incoherence, and personal control. *Developmental psychology*, 46 (5): 1132-46.
- Eldar-Avidan, D., Haj-Yahia, M. M., & Greenbaum, C. W. (2009). Survival, and vulnerability: Young adults' perception of the implications of parental divorce. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35: 30-46.
- Fagan, P. F., & Churchill, A. (2012). The effect of divorce on children. *Marriage and religion research*, 12: 1-48.

- Gordon, K. (2011). Resilient hispanic youths self-concept and motivational patterns. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 18: 63-73.
- Grych, J. H., & Fincham, F. D. (2008). Interventions for children of divorce: Towards greater integration of research and action. *Psychological Bulletin*, 111, 434-454.
- Halligan, C., Chang, I. J., & Knox, D. (2014). Positive effects of parental divorce on undergraduates. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55 (7): 557-567.
- Jeremy, A. (2015). The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior. *Journal of Divorce and Remarriage*, 56 (1): 25-42.
- Klara Overland, I. S., & Arlene, A. T. (2013). Daycare children of divorce and their helpers. *International Journal of Early Childhood*, 45 (1): 51-75
- Laumann, G. M. (2002). *The impact of a school-based intervention program on the divorce adjustment of latency-aged children: An evaluation of the Rainbows Program*. Unpublished doctoral dissertation. United States, Illinois: University of Illinois at Urbana-Champaign.
- LeCroy, C. (2008). *Handbook of evidence-based treatment manuals for children and adolescents*. Second edition, Oxford Press.
- Lemley, N.N. (2004). *The reliability of the piers-harris children's self-concept scale, second edition*. Thesis for the degree of Ed.S, Marshall university.
- Linda, J., Alpert-Gillis, L., Pedro-Carroll, J. L., Emory, L., & Cowen, C. (2007). The children of divorce intervention program: Development, implementation, and evaluation of a program for young children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 75 (5): 583-84.
- Loucks Greenwood, J. (2014). Effects of a mid- to late-life parental divorce on adult children. *Journal of Divorce & Remarriage*, 55 (7): 539-556.
- Nesheiwat, K. M., & Brandwein, D. (2011). Factors related to resilience in preschool and kindergarten students. *Child Welfare*, 90 (1): 7-24.
- Overbeek, M. M., De Schipper, J. C., Willems, A. M., Lamers-Winkelmann, F., & Schuengel, C. (2015). Mediators and treatment factors in intervention for children exposed to interparental violence. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 1-17.
- Pedro-Carroll, J. L., Alpert-Gillis, L. J., & Cowen, E. (2008). An evaluation of the efficacy of a preventive intervention for 4-6 grade urban children of divorce. *The Journal of Primary Prevention*, 13 (2): 115-130.
- Pedro-Carroll, J. L., & Jones, S. (2002). Fostering children's resilience after divorce: A play-based preventive intervention. *Children's Institute, University of Rochester*: 20-21.
- Pedro-Carroll, J. L. (2005). Fostering resilience in the aftermath of divorce: The role of evidence-based programs for children. *Family Court Review*, 43: 52-64.
- Pedro-Carroll, J. L. (2011). *How parents can help children cope with separation/divorce*. Encyclopedia on early childhood development.
- Pedro-Carroll, J. L. (2001). The promotion of wellness in children and families challenges and opportunities. *The American psychologist*, 56 (11): 993-1004.

- Quinney, D. M., & Fouts, G. T. (2003). Resilience and divorce adjustment in adults participating in divorce recovery workshops. *Journal of Divorce and Remarriage*, 40: 55-68.
- Shen, A. C. T. (2009). Long-term effects of interparental violence and child physical maltreatment experiences on PTSD and behavior problems: A national survey of Taiwanese college students. *Child Abuse & Neglect*, 33 (3):148-160.
- Weaver, J. M., & Schofield, T. J. (2015). Mediation and moderation of divorce effects on children s behavior Problems. *Journal of Family Psychology*, 29 (1): 39-48.
- Wolchik, S. A., Schenck, C. E., & Sandler, I. N. (2009). Promoting resilience in youth from divorced families: Lessons learned from new beginnings program. *Journal of Personality*, 77: 1833-1868.

مقیاس خود پنداره کودکان پیرز - هریس

سوالها	بلی خیر گاهی	سوالها	بلی خیر گاهی
۱. همکلاسی‌هایم مرا مسخره می‌کنند.	۴۱. من موهای قشنگی دارم.	۱۰. وقتی در مدرسه امتحان دارم نگران می‌شوم.	۵۰. غمگین هستم.
۲. آدم شادی هستم.	۴۲. من اغلب برای درس جواب دادن در مدرسه دستم را بالا می‌برم.	۱۱. مورد پسند دیگران نیستم.	۵۱. دوستان زیادی دارم.
۳. دوست پیدا کردن برایم سخت است.	۴۳. ای گاش با آنچه هستم تفاوت داشتم.	۱۲. در مدرسه رفتار خوبی دارم.	۵۲. شاد هستم.
۴. من اغلب غمگین هستم.	۴۴. من شب‌ها خوب می‌خوابم.	۱۳. وقتی اشتباهی پیش می‌آید اغلب تقصیر است.	۵۳. درباره خیلی چیزها بی‌اطلاع هستم.
۵. من زنگ و باهوش هستم.	۴۵. من از مدرسه بیزارم.	۱۴. برای خانواده ام زحمت درست می‌کنم.	۵۴. خوش تیپ هستم.
۶. من آدم کمروبی هستم.	۴۶. من در بازی‌ها و ورزش به‌عنوان آخرین نفر انتخاب می‌شوم.	۱۵. قوی هستم.	۵۵. نیرو و زور زیادی دارم.
۷. وقتی معلم مرا صدا می‌کند دستپاچه می‌شوم.	۴۷. من زیاد مریض می‌شوم.	۱۶. عقاید و نظرات خوبی دارم.	۵۶. اغلب با دیگران دعوا می‌کنم.
۸. من از قیافه ام راضی نیستم.	۴۸. اغلب با دیگران بد رفتاری می‌کنم.	۱۷. عضو مهمی در خانواده ام هستم.	۵۷. در میان پسرها محبوبیت دارم.
۹. وقتی بزرگ شدم شخص مهمی خواهم شد.	۴۹. همکلاسی‌هایم در مدرسه فکر می‌کنند عقاید و نظرات خوبی دارم.	۱۸. دوست دارم آن‌طور که می‌خواهم زندگی کنم.	۵۸. مردم سربه‌سر می‌گذارند.
۱۰. وقتی در مدرسه امتحان دارم نگران می‌شوم.	۵۰. غمگین هستم.	۱۹. در ساختن کار دستی مهارت دارم.	۵۹. خانواده ام از مایوس و ناامید هستند.
۱۱. مورد پسند دیگران نیستم.	۵۱. دوستان زیادی دارم.	۲۰. به‌آسانی از کار دست می‌کشم.	۶۰. چهره شاد و خندان دارم.
۱۲. در مدرسه رفتار خوبی دارم.	۵۲. شاد هستم.	۲۱. تکالیف درسی ام را به‌خوبی انجام می‌دهم.	۶۱. وقتی سعی می‌کنم چیزی درست کنم خراب می‌شود.
۱۳. وقتی اشتباهی پیش می‌آید اغلب تقصیر است.	۵۳. درباره خیلی چیزها بی‌اطلاع هستم.	۲۲. معمولاً کارهای بد زیادی را انجام می‌دهم.	۶۲. در خانه اغلب سربه‌سر می‌گذارند.
۱۴. برای خانواده ام زحمت درست می‌کنم.	۵۴. خوش تیپ هستم.	۲۳. به‌خوبی می‌توانم نقاشی کنم.	۶۳. در بازی‌ها و ورزش سرگروه (کاپیتان) هستم.
۱۵. قوی هستم.	۵۵. نیرو و زور زیادی دارم.	۲۴. در نواختن موسیقی مهارت دارم.	۶۴. آدم دست و پا چلفتی (بی دست و پا) هستم.
۱۶. عقاید و نظرات خوبی دارم.	۵۶. اغلب با دیگران دعوا می‌کنم.	۲۵. در زل رفتارم بد است.	۶۵. به‌جای بازی در بازی‌ها و ورزش، تماشا می‌کنم.
۱۷. عضو مهمی در خانواده ام هستم.	۵۷. در میان پسرها محبوبیت دارم.	۲۶. در انجام دادن تکالیف درسی ام کند هستم.	۶۶. آنچه را که یاد می‌گیرم فراموش می‌کنم.
۱۸. دوست دارم آن‌طور که می‌خواهم زندگی کنم.	۵۸. مردم سربه‌سر می‌گذارند.	۲۷. عضو مهمی در کلاس هستم.	۶۷. به‌آسانی با دیگران کنار می‌آیم.
۱۹. در ساختن کار دستی مهارت دارم.	۵۹. خانواده ام از مایوس و ناامید هستند.	۲۸. عصبی هستم.	۶۸. به‌آسانی کنترل‌م را از دست می‌دهم.
۲۰. به‌آسانی از کار دست می‌کشم.	۶۰. چهره شاد و خندان دارم.	۲۹. چشم‌های زیبایی دارم.	۶۹. در بین جنس مخالف خودم محبوبیت دارم.
۲۱. تکالیف درسی ام را به‌خوبی انجام می‌دهم.	۶۱. وقتی سعی می‌کنم چیزی درست کنم خراب می‌شود.	۳۰. در جلوی کلاس به‌راحتی می‌توانم درس جواب دهم.	۷۰. خواننده خوبی هستم.
۲۲. معمولاً کارهای بد زیادی را انجام می‌دهم.	۶۲. در خانه اغلب سربه‌سر می‌گذارند.	۳۱. در مدرسه خیال‌باف هستم.	۷۱. دوست دارم به‌تنهایی کار کنم نه گروهی.
۲۳. به‌خوبی می‌توانم نقاشی کنم.	۶۳. در بازی‌ها و ورزش سرگروه (کاپیتان) هستم.		
۲۴. در نواختن موسیقی مهارت دارم.	۶۴. آدم دست و پا چلفتی (بی دست و پا) هستم.		
۲۵. در زل رفتارم بد است.	۶۵. به‌جای بازی در بازی‌ها و ورزش، تماشا می‌کنم.		
۲۶. در انجام دادن تکالیف درسی ام کند هستم.	۶۶. آنچه را که یاد می‌گیرم فراموش می‌کنم.		
۲۷. عضو مهمی در کلاس هستم.	۶۷. به‌آسانی با دیگران کنار می‌آیم.		
۲۸. عصبی هستم.	۶۸. به‌آسانی کنترل‌م را از دست می‌دهم.		
۲۹. چشم‌های زیبایی دارم.	۶۹. در بین جنس مخالف خودم محبوبیت دارم.		
۳۰. در جلوی کلاس به‌راحتی می‌توانم درس جواب دهم.	۷۰. خواننده خوبی هستم.		
۳۱. در مدرسه خیال‌باف هستم.	۷۱. دوست دارم به‌تنهایی کار کنم نه گروهی.		

۳۲. سربه‌سر برادر و خواهرم می‌گذارم.
 ۳۳. دوستانم عقاید و نظرات مرا دوست دارند.
 ۳۴. اغلب دچار گرفتاری می‌شوم.
 ۳۵. در خانه به حرف دیگران گوش می‌کنم.
 ۳۶. خوشبخت هستم.
 ۳۷. خیلی نگران هستم.
 ۳۸. والدینم انتظارات بیش از حد از دارند.
 ۳۹. دوست دارم طوری که دلم می‌خواهد رفتار کنم.
 ۴۰. احساس می‌کنم مرا در بازی راه نمی‌دهند.

مقیاس تاب‌آوری و توانمندی اجتماعی - هیجانی کودک

سوال‌ها	هیچوقت گاهی غالباً همیشه	سوال‌ها	هیچوقت گاهی غالباً همیشه
۲۷. قبل از این که کاری بکنم درموردش فکر می‌کنم	۱. دوست دارم در مدرسه بهترین باشم.	۲۸. در جمع مردم راحتم	۲. وقتی اتفاق بدی برای دیگران می‌افتد ناراحت می‌شوم
۲۹. دیگران مرا به‌عنوان رهبر کارها قبول دارند	۳. به‌خوبی می‌فهمم دیگران چه فکری دارند	۳۰. خودم را دوست دارم	۴. خیلی از کارها را بدون کمک انجام می‌دهم
۳۱. بچه‌های دیگر به من احترام می‌گذارند	۵. سعی می‌کنم وقتی دیگران به کمک نیاز دارند به آن‌ها کمک کنم	۳۲. تصمیم‌های خوبی می‌گیرم	۶. دیگران از بودن با من لذت می‌برند
۳۳. به مشکل‌هام فکر می‌کنم	۷. دوست دارم با افراد مختلف زیادی حرف بزنم	۳۴. دوست دارم به مدرسه بروم	۸. به راحتی دوست پیدا می‌کنم
۳۵. دوست دارم با خودم تنها باشم	۹. سعی می‌کنم وقتی دوستانم ناراحتند احساس آن‌ها را بفهمم	۳۶. درمورد خودم احساس خوبی دارم	۱۰. وقتی دیگران حرف می‌زنند خوب گوش می‌کنم
۳۷. خیلی کارها را خودم می‌توانم انجام دهم	۱۱. بقیه بچه‌ها دوست دارند با آن‌ها ارتباط داشته باشم	۳۸. وقتی بقیه بچه‌ها مرا مسخره می‌کنند به آن‌ها بی‌اعتنایی می‌کنم	۱۲. یک دوست صمیمی دارم
۳۹. کارهایم را خودم انجام می‌دهم	۱۳. بقیه فکر می‌کنند من آدم سرگرم کننده‌ای هستم	۴۰. احساس‌های زیادی را می‌توانم نام ببرم	۱۴. حتی وقتی کارهایم خوب پیش نمی‌رود حالم خوب است
۴۱. می‌توانم وقتی ناراحت هستم خودم را آرام کنم	۱۵. بقیه مرا دوست دارند	۴۲. می‌توانم افکار منفی‌ام را تغییر دهم	۱۶. دوستانم در کارهایشان از من کمک می‌خواهند
۴۳. نمی‌گذارم مشکل‌ها تاثیری روی من بگذارد	۱۷. دوست دارم برای بقیه کاری انجام دهم	۴۴. می‌دانم چطور به اهدافم برسم	۱۸. می‌توانم مشکل‌ها را حل کنم
۴۵. می‌توانم مشکل‌های را که بقیه را اذیت می‌کند چطور حل کنم	۱۹. می‌فهمم بقیه چه احساسی دارند	۴۶. وقتی درس‌ها را نمی‌فهمم از معلمم کمک می‌خواهم	۲۰. از وضعیتی که دارم راضی‌ام
۴۷. والدینم به من اعتماد دارند	۲۱. با راحتی می‌توانم به بقیه بگویم حالم چطور است	۴۸. با بقیه بچه‌ها در مدرسه با راحتی حرف می‌زنم	۲۲. وقتی نیاز به کمک داشته باشم از دیگران کمک می‌خواهم
۴۹. دوست دارم در مدرسه باشم	۲۳. می‌توانم به بقیه یاد دهم که وقتی عصبانی هستند چطور آرام شوند	۵۰. اشتباهات و خطاهایم را می‌فهمم	۲۴. تفاوت بین عصبانیت و خشم را می‌دانم
۵۱. وقتی دیگران ناراحتند می‌فهمم حتی اگر چیزی نگویند	۲۵. وقتی عصبانی می‌شوم می‌توانم خودم را کنترل کنم	۵۲. وقتی مشکلی برایم پیش می‌آید آرام می‌مانم	۲۶. نسبت به اتفاقی که برای دیگران می‌افتد حساسم
